



The Issue of Granting Legal Personality to Artificial Intelligence

Zohreh Gheisari Atrabi¹, Zahra Shakeri², Ahmad Yousefi Sadeghloo³

¹ Phd student in Private law, Faculty of Law, Theology & Political Science, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Email: zohreh.gheisari92@gmail.com

² Associate Professor of Private law, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Visiting Professor in Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**), Email: zshakeri@ut.ac.ir

³ Assistant Professor of Private Law, Faculty of Law, Theology & Political Science, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Email: yousefi@srbiaw.ac.ir

Abstract

Granting personality to Artificial Intelligence is one of the controversial issues that has been arisen for management of operational challenges of this technology. The main reasons for the necessity of granting personality are related to the area of responsibility and ownership of innovations due to these systems. The important question is whether the legal personality is grantable to these systems? In the Meantime, To what extent can personality be granted to these systems? What is the position of Islamic legal systems and western legal systems in this issue? The current article evaluates different types of personality for Artificial Intelligence with the analytical-descriptive method, and investigate the Islamic legal systems, European Union, France and Germany about this issue. This study, in the end, concludes that although a particular sentence cannot be provided for amount of legal personality due to different functional levels of AI types, the idea of gradient personality appears to be the most appropriate approach.

Keywords: Lehal Personality, Intellectual Property, Technology, Innovation, Artificial Intelligence, Gradient Personality.

Received: 2024/03/26 ; Revised: 2024/07/08 ; Accepted: 2024/10/07 ; Published online: 2025/06/22

How To Cite: Gheisari Atrabi¹, Zohreh; Shakeri, Zahra; Yousefi Sadeghloo, Ahmad (2025). The Issue of Granting Legal Personality to Artificial Intelligence, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 12(2), 223-248. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.10559.2521>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



مسئله اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی

زهره قیصری اطربی^۱، زهرا شاکری^۲، احمد یوسفی صادقلو^۳

^۱ دانشجوی مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. zohreh.ghesari92@gmail.com: رایانامه:
^۲ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: zshakeri@ut.ac.ir
^۳ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، رایانامه: yousefi@srbiau.ac.ir

چکیده

مسئله اعطای شخصیت به هوش مصنوعی از جمله نظریاتی است که در جهت مدیریت چالش‌های عملکردی این فناوری مطرح می‌شود. دلایل اصلی لزوم اعطای شخصیت با موضوع مسئولیت و مالکیت نوآوری‌های ناشی از این سیستم‌ها در ارتباط است. پرسش مهم آن است که آیا شخصیت حقوقی قابل اعطا به سیستم‌های هوش مصنوعی است؟ چه میزانی از شخصیت در این میان قابل اعطا است و موضع نظام حقوقی اسلام و غرب نسبت به این مسئله چیست؟ نوشتار حاضر با روش تحلیلی توصیفی امکان‌سنجی تعلق شخصیت به هوش مصنوعی را ارزیابی کرده و در ادامه به موضع نظام‌های حقوقی اسلام، اتحادیه اروپا، فرانسه و آلمان می‌پردازد. این نوشتار سرانجام نتیجه می‌گیرد که اگرچه نظر به سطوح متفاوت عملکردی انواع هوش مصنوعی، نمی‌توان حکم واحدی برای حدود شخصیت این سیستم‌ها ارائه داد، در میان نظریات مطروحه مانند هوش به‌مثابه ابزار، محجور، برده و شخصیت کامل، ایده شخصیت طفیفی مناسب‌ترین ایده برای تعدیل چالش‌های مطرح به نظر می‌آید.

کلیدواژه‌ها: شخصیت، مالکیت فکری، فناوری، هوش مصنوعی، شخصیت طفیفی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
استاد به این مقاله: قیصری اطربی، زهره؛ شاکری، زهرا؛ یوسفی صادقلو، احمد (۱۴۰۴). مسئله اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۲(۲)، ۲۲۳-۲۴۸. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.10559.2521>

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

با ورود سیستم‌های هوش مصنوعی به عرصه‌های عملکردی بشر، در آینده‌ای نزدیک مرزهای تمییزپذیری هوش مصنوعی و هوش بشری تا حد زیادی از میان رفته و این پدیده‌ها تمایز چندانی با انسان نخواهند داشت. لازمه این امر، توانایی دارا شدن حق و تکلیف و به تعبیری اعطای شخصیت به این موجودات پیشرفته است. در این میان اعطای شخصیت حقوقی یکی از نظریه‌های مطرح شده در مدیریت چالش‌هایی است که در نتیجه عملکرد این سامانه‌های هوشمند به وجود می‌آید. دو دلیل عمده برای شناسایی شخصیت حقوقی این سیستم‌ها عبارت‌اند از اول، موضوع مسئولیت که در واقع پاسخی به خلاهای ایجادشده ناشی از سرعت و خودمختاری و ابهام عملکرد این سیستم‌هاست (Chesterman, 2020: 210) و دومین دلیل بحث مالکیت نوآوری‌های ناشی از سیستم‌های هوش مصنوعی است که تلاش دارد، وضعیت مالک این اموال را روشن نماید.

در این میان، لزوم تعیین تکلیف وضعیت حقوقی عملکردهای خلاقانه هوش مصنوعی نظریه‌پردازان حقوقی را بر آن داشته است تا راه‌حل‌هایی را در این خصوص پیشنهاد کنند. ازاین‌رو، می‌توان هوش مصنوعی را با محصول (کالا)، حیوان، کودک، برده و شرکت مقایسه کرد و یا قائل به شخصیت حقوقی مستقل و یا شخصیت طیفی برای این سیستم‌های هوشمند شد.

علی‌رغم گسترش روزافزون کاربردهای هوش مصنوعی در جوامع بشری، تاکنون در منابع داخلی مسئله اعطای شخصیت حقوقی به این سیستم‌ها مورد تمرکز پژوهشگران نبوده است. اگرچه در برخی نوشتارهای موجود کلیت دکتربین‌های شناسایی شخصیت برای هوش مصنوعی مورد توجه بوده است،^۱ به نظر می‌رسد در این آثار تمامی جوانب مورد بررسی قرار نگرفته و نظریات جدید مطرح شده در خصوص اعطای شخصیت به هوش مصنوعی به‌طور خاص مورد توجه نبوده است. در این نوشتار ابتدا ماهیت شخصیت حقوقی و آثار اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، گستره دکتربین‌های امکان‌سنجی اعطای شخصیت به هوش مصنوعی و همچنین میزان اقبال این دکتربین در سطح بین‌المللی و از دیدگاه نظام حقوقی اسلام و نظام‌های حقوقی اروپایی، آلمان و فرانسه مطالعه می‌شود.

۱. شخصیت حقوقی هوش مصنوعی

مفهوم شخص از لحاظ حقوقی به موجودی اطلاق می‌گردد که موضوع حق و تکلیف قرار می‌گیرد. در قانون مدنی شخص به دو دسته اشخاص حقیقی و حقوقی تقسیم شده است. به این ترتیب که اشخاص

۱. برای نمونه رجوع شود به: واتقی، محسن، امکان‌سنجی اعطای شخصیت حقوقی به ربات‌های هوشمند با تکیه بر مصوبه اتحادیه اروپا، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۷، شماره ۱۰۳، ۱۳۹۹، صفحات ۳۰۸-۳۳۲.

حقیقی به انسان گفته می‌شود و اصطلاح شخص حقیقی در مقابل شخص حقوقی به کار می‌رود. گاه در جامعه شاهد بخش دیگری از حقوق و تعهدات هستیم که موضوع آن اشخاص حقیقی نیست. این گروه از لحاظ حقوقی این‌گونه تعریف شده‌اند: گروهی از افراد انسانی یا منفعتی از منافع عمومی که قوانین متداول آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده است (ارزانیان و ایزدی، ۲۰۹: ۱۳۹۸).

تمایل به نشان دادن مفهومی انسان‌محور از شخصیت حقوقی موجب تصور اشتباه پیوند مفهوم شخصیت و انسان شده و این امر تا جایی پیش رفته که در برخی مواقع مفهوم شخصیت حقوقی به معنای صحیح آن مورد استفاده قرار نگیرد (Dyschkant, 2015: 2075). لذا «لازم است مرزبندی‌هایی در دو مفهوم شخصیت و بشریت ایجاد شده و تمرکز اصلی در تعریف مقوله شخص بر روی تعریف قانونی به معنای هر چیزی که موضوع حقوق و تکالیف قانونی قرار می‌گیرد، باشد.» (Brown, 2021: 215).

سابقه اعطای شخصیت حقوقی به شرکت‌ها، عوامل طبیعی همچون رودخانه‌ها، حیوانات و ... نشان از آن دارد که شخصیت حقوقی یک مفهوم ثابت و غیرقابل تغییر نیست، بلکه قابل تطبیق با نهادهای حقوقی جدید و تغییرات جوامع است (Lovell, 2023: 18). به‌واقع «به چالش کشیدن نظم حقوقی انسان‌محور، موجب تقویت موضوع اعطای شخصیت به حیوانات، برخی اکوسیستم‌های طبیعی و اخیراً سیستم‌های هوش مصنوعی شده است» (Kurki, 2023: 63). البته می‌توان تفاوت‌هایی را در مبانی اعطای شخصیت در این موارد قائل شد. اعطای شخصیت حقوقی به حیوانات و اکوسیستم‌های طبیعی غالباً با هدف حمایت از این موجودات انجام می‌شود. این در حالی است که مباحث شخصیت حقوقی سیستم‌های هوش مصنوعی اغلب با دلایل ابزاری توجیه می‌شود. این مباحث اغلب با خلأهای موجود در بحث مسئولیت، کارایی اقتصادی و دلایل این‌چنینی مرتبط است و در این موارد برخلاف مبانی توجیهی شخصیت حقوقی انسان، بحث منافع و حقوق و رفاه این سیستم‌ها مطرح نیست (Kurki, 2023: 55).

عامل دخالت انسانی در اعمال نظریه شخصیت نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند؛ از این رو نوآوری‌های ایجاد شده ناشی از هوش مصنوعی با هر سطح عملکردی به خصوص در مواردی که این سیستم‌ها عملکرد کاملاً خودکار و بدون نظارتی دارند، قابل حمایت تحت لوای نظریه سنتی شخصیت نخواهد بود. نظر به تحولات کنونی هوش مصنوعی، نظریه شخصیت نیز همچون سایر نظریات مطرح شده، نیازمند بازبینی و تغییر است. به‌عنوان مثال، در حال حاضر درک انسانی یا فراتر از آن به هوش مصنوعی نسبت داده می‌شود (Jafaritarbar, 2023: 53)؛ با این تفاسیر می‌توان چهره جدیدی از نظریه شخصیت را بررسی کرد.

امروزه برخی اندیشه‌های حقوقی از ایده شخصیت حقوقی ماشین‌های هوشمند حمایت می‌کنند. به‌عنوان مثال بوستروم در این باره معتقد است: «ماشین‌هایی که قادر به ابتکار و نوآوری‌های مستقل هستند،

باید فراتر از یک ماشین و به عنوان یک شخص تلقی شوند» (Frosio, 2022: 5). در واقع هیچ دلیل قانونی یا منطقی برای انکار شخصیت حقوقی سیستم‌های هوش مصنوعی وجود ندارد و قانون باید بر مبنای انتخاب‌های منطقی و شواهد تجربی اعطای شخصیت کند، نه بر اساس غرض‌ورزی و تبعیض (solum, 1992: 1264).

۱-۱. آثار اعطای شخصیت به هوش مصنوعی

۱-۱-۱. مسئولیت قانونی

هم‌زمان با فراگیر شدن کاربرد سیستم‌های هوش مصنوعی در زندگی جوامع بشری، امکان ایجاد ضرر از طریق اشتباه، غفلت یا سوء عملکرد این سیستم‌ها افزایش چشم‌گیری داشته است. لذا لازم است چارچوب‌های حقوقی این واقعیت را مد نظر داشته باشند و تکلیف موضوع مسئولیت قانونی را در مواردی که مرتبط با هوش مصنوعی است، مشخص کنند. ایجاد شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی یکی از راه‌حل‌هایی است که در این زمینه ارائه می‌شود (Lovell, 2023: 5). در همین راستا نظام‌های حقوقی کنونی سعی در تطبیق چارچوب‌های قانونی فعلی با تحولات این نسل از فناوری دارند. اخیراً پارلمان اروپا در مصوبه خود در خصوص رباتیک به بررسی این موضوع پرداخته است که آیا قواعد فعلی مسئولیت در خصوص سیستم‌های هوش مصنوعی قابل اعمال است یا لازم است قواعد جدیدی در این خصوص وضع شود؟^۱ همچنین در این مصوبه آمده است: به میزانی که عملکرد خودکار سیستم‌های هوش مصنوعی افزایش یابد، به همان میزان احتمال اضرار بودن آن در دست بشر کاهش می‌یابد.^۲ روی هم رفته پارلمان اروپا با این دیدگاه موافق است که قواعد سنتی مسئولیت تا جایی در مورد کارکردهای سیستم‌های هوش مصنوعی قابل اعمال است که بتوان آن را به نحوی به یک عامل انسانی همچون کاربر، تولیدکننده و یا اپراتور نسبت داد؛ اما در مواردی که عملکرد منفی هوش مصنوعی قابلیت انتساب به اشخاص مرتبط را نداشته باشد، در این موارد دستورالعمل (EEC/374/85) اتحادیه اروپا در خصوص مسئولیت تولید قابل اعمال نیست. این امر دلیلی بر آن است که قواعد مسئولیت مدنی عادی در این حوزه کفایت نمی‌کند و نیاز به وضع قواعد جدیدی است تا مشخص شود که آیا یک ماشین می‌تواند نسبت به فعل یا ترک فعل خود مسئول دانسته شود؟

اگرچه بنابراین مصوبه حداقل در وهله کنونی مسئولیت تنها به انسان نسبت داده می‌شود، با این حال اعمال یک بیمه اجباری در خصوص مسئولیت‌های بالقوه و همچنین ایجاد وضعیت قانونی مختص

1. European Parliament, Civil Law Rules on Robotics: European Parliament resolution with recommendations to the Commission on Civil Law Rules on Robotics, 2015/2103 (INL), 16 February 2017.

2. Civil Law rules on Robotics (n 25) AB.

ربات‌ها در آن پیش‌بینی شده است، به نحوی که حداقل ربات‌های فوق پیشرفته از موقعیت قانونی اشخاص الکترونیک برخوردار شوند و بدین صورت در خصوص خسارت‌های وارده، تعیین تکلیف شود.^۱ علاوه بر مطالب فوق، نسبت دادن مصادیق فعلی مسئولیت مدنی از جمله قصور و سهل‌انگاری به سیستم‌های هوش مصنوعی چالش‌های جدیدی را در این حوزه مطرح می‌کند. غفلت و سهل‌انگاری غالباً در مورد انسانی به کار می‌رود که قادر به پیش‌بینی پیامدهای عملکرد خود است، این در حالی است که سیستم‌های هوش مصنوعی قادر به این کار نیستند. به علاوه، اعمال مصادیق نقض نیز در این موارد به لحاظ غیر قابل پیش‌بینی بودن فرایند یادگیری ماشین و همچنین ابهام در فرایند تصمیم‌گیری سیستم‌های هوش مصنوعی امری پیچیده خواهد بود. همچنین در نظر گرفتن مسئولیت مطلق برای سازنده هوش مصنوعی در مواردی که مالک یا سازنده، دانش یا نظارت قابل توجهی بر عملکرد هوش مصنوعی ندارد، امری غیر منطقی است و موانعی را بر سر راه تحقق مسئولیت حقوقی ایجاد می‌کند (Brown, 2021: 210). با توجه به این پیچیدگی‌ها، لازم است دکترین و چارچوب‌های حقوقی جدید، به نحوی مسئله قصور و اهمال را در عملکرد هوش مصنوعی لحاظ کنند. از جمله راه‌حل‌های پیشنهادی، در نظریه‌های مسئولیت مطلق برای بعضی سیستم‌های پرخطر هوش مصنوعی و یا در نظریه‌های ملاک «هوش مصنوعی محتاط و متعارف» مشابه ملاک «فرد متعارف و محتاط» در موارد قصور عوامل انسانی است. ایجاد چنین تحولاتی در موضوع مسئولیت هوش مصنوعی تعادلی را میان منافع اجتماعی ناشی از نوآوری‌های هوش مصنوعی و نیاز به جبران خسارت مؤثر ناشی از هوش مصنوعی را ایجاد می‌کند (Lovell, 2023: 14).

۱-۱-۲. برقراری حقوق مالکیت فکری هوش مصنوعی

از دیگر نتایج اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی، تحقق حقوق مالکیت فکری سیستم‌های هوش مصنوعی نسبت به آثار خلاقانه و نوآوری‌هایی است که به واسطه آن ایجاد شده‌اند. «اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی و شناسایی آن به عنوان پدید آورنده آثار ادبی و مخترع آثار اختراعی، تحولات قابل توجهی را در حوزه مالکیت صنعتی و کپی‌رایت ایجاد خواهد کرد و لازمه تحقق این تحولات، بازنگری در مفاهیم پدیدآورندگی و خلاقیت و همچنین اختراع است» (Lantyer, 2024: 44). به علاوه، این موضوع می‌تواند سرآغاز تحولی در مفهوم اصالت باشد. از جمله ملاک‌های حمایت از آثار فکری به‌ویژه در حوزه ادبی هنری معیار اصالت است. «امروزه معیار اصالت در حمایت از آثار فکری نسل جدید از جمله برنامه‌های کامپیوتری و بانک‌های اطلاعاتی حتی در کشورهای رومی ژرمنی همچون آلمان و فرانسه به نحو متفاوتی اعمال می‌شود و اموال فکری در نظام‌های حقوقی مذکور با حساسیت کمتری نسبت به گذشته مورد حمایت قرار می‌گیرند تا جایی که برنامه‌های

1. ibid para 59.f.

کامپیوتری، بانک‌های اطلاعاتی و آثار ترجمه‌ای که ماهیت خلاقانه سطح پایینی دارند نیز مورد حمایت قرار دارند» (Rahmatian, 2013: 18). برخی منتقدان در این باره معتقدند: «فرایندی که هوش مصنوعی طی آن به اثر خلاقانه دست می‌یابد، مشابه فرایندی است که یک پدیدآورنده انسانی در این مسیر طی می‌کند و هر دو گروه در ایجاد اثر خلاقانه از آثار موجود تأثیر می‌پذیرند» (Lovell, 2023: 14).

با وجود تحولات مطرح شده در سیاست‌گذاری نظام‌های مالکیت فکری، متون قانونی نظام‌های حقوقی مذکور همچنان بر تعلق حق مالکیت فکری به انسان تأکید دارند. بر اساس دستورالعمل فرانسوی منتشر شده در دفتر مالکیت فکری فرانسه فقط یک شخص حقیقی می‌تواند مخترع باشد. ماده (R612-10) قانون مالکیت فکری فرانسه به لزوم ثبت نام، نام خانوادگی و اقامتگاه مخترع اشاره دارد که این امر نشان از انحصار پذیرش اشخاص حقیقی به عنوان مخترع دارد (May et al, 2023: 4). همچنین ماده ۱ قانون حمایت از مالکیت صنعتی ایران مصوب ۱۴۰۳ در این باره، اختراع را نتیجه فکر فرد یا افراد می‌داند و اشاره‌ای به اشخاص الکترونیک و سیستم‌های هوش مصنوعی در آن مشاهده نمی‌شود. در همین راستا، پارلمان اروپا در ضمن پیش‌نویس گزارش حقوق مالکیت فکری در جهت توسعه تکنولوژی‌های هوش مصنوعی بر این موضوع تأکید دارد که اگرچه خودمختارسازی فرایندهای نوآوری چالش‌هایی را در خصوص مالکیت فکری آن مطرح می‌کند، این موضوع دلیلی بر اعطای شخصیت حقوقی به تکنولوژی هوش مصنوعی نخواهد بود (Frosio, 2022: 6). با عنایت به اهمیت بحث تعیین تکلیف مالکیت فکری آثار فکری هوش مصنوعی، لازم است چارچوب‌های نظام مالکیت فکری کنونی با توجه به قابلیت‌های نوظهور سیستم‌های هوش مصنوعی تغییر یابد. البته این تحولات می‌بایست تعادلی را میان حفظ منافع پدیدآورندگان انسانی، مالکان هوش مصنوعی و جامعه در سطح کلان ایجاد کند و در عین حال انگیزه نوآوری و پدیدآوردندگی را افزایش دهد (Lovell, 2023: 15).

۲. دکترین‌های امکان‌سنجی تعلق شخصیت به هوش مصنوعی

لزوم تعیین تکلیف وضعیت حقوقی عملکردهای خلاقانه هوش مصنوعی نظریه‌پردازان حقوقی را بر آن داشته است تا راه‌حلی را در خصوص ماهیت و حدود شخصیت حقوقی این سامانه‌های هوشمند پیشنهاد کنند. برای درک دقیق‌تر این موضوع، لازم است ماهیت عملکردی سیستم‌های هوش مصنوعی مشخص شده و مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا، هوش مصنوعی با محصول (کالا)، حیوان، کودک، برده و اشخاص حقوقی مقایسه و نظریات مبتنی بر شخصیت حقوقی مستقل و یا شخصیت متغیر بررسی می‌شود.

۱-۲. هوش مصنوعی به عنوان محصول (کالا)

فارغ از سطوح بالای پیشرفت فناوری هوش مصنوعی، در حال حاضر انواع مختلف این سیستم‌ها اعم از

بات و ربات‌ها از جمله اموال تلقی می‌شوند. در رویه بین‌المللی نیز چنین رویکردی اتخاذ می‌شود و سیستم‌های فیزیکی (ربات) هوش مصنوعی در مفهوم کلی و همچنین در اصطلاح تجاری در جایگاه اشیاء قرار دارند. به‌عنوان مثال، در سیستم طبقه‌بندی بین‌المللی کالاها و خدمات، صراحتاً ربات شبیه انسان دارای هوش مصنوعی، نوعی کالای خاص دانسته شده است.^۱

به تعبیر برخی حقوق‌دانان «اراده ربات اقتضای ذات و طبیعت آن نیست و اگرچه ربات دارای اراده و خودمختاری است، این خودمختاری وجه محصول بودن آن است و در نتیجه نمی‌توان برای آن شخصیت انسانی قائل شد و از طرفی نمی‌توان وجود مسئولیت را به‌سادگی در این موارد انکار کرد؛ بنابراین، ربات به‌عنوان عامل مسئولیت قابل‌شناسایی نیست و از سوی دیگر به دلیل وجه محصول بودن آن، نبود مسئولیت نیز توجیه‌پذیر نیست» (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۹).

فرض ماهیت «محصول» یا کالا برای سیستم‌های هوش مصنوعی مستلزم آن است که مسائل حقوقی مرتبط با این سیستم‌ها اعم از عملکرد مثبت (ایجاد اموال فکری) و عملکرد منفی (ایجاد خسارات) را به عوامل انسانی دخیل در شکل‌گیری و کارکرد آن منتسب کرد. از جمله مهم‌ترین نتایج شناسایی هوش مصنوعی به‌عنوان کالا، لزوم شناسایی عامل مسئول در موارد ایجاد خسارات است. در بیشتر موارد اشیاء در ورود زیان موضوعیت ندارند و به‌عنوان ابزاری در دست بشر عمل می‌کنند، اما در خصوص سیستم‌های هوش مصنوعی چنین نیست و افراد گوناگون مرتبط با آن از جمله مالک، متصرف و سازنده شیء به‌عنوان مسئول خسارات در نظر گرفته می‌شوند. امروزه ممکن است برخی اشیاء استقلال داشته باشند و در اجرای برخی امور مختار باشند که از جمله آن سیستم‌های هوش مصنوعی است. در این موارد، افراد جدید مرتبط با شیء، مثل اداره‌کننده هوش مصنوعی یا نگارنده برنامه، مسئول جبران زیان‌های ناشی از عملکرد آن خواهد بود (رجبی، ۱۳۹۸: ۴۶۳).

در سال ۲۰۱۹ کارگروه تخصصی مسئولیت مدنی هوش مصنوعی و تکنولوژی‌های جدید در کمیسیون اتحادیه اروپا مباحثی را در خصوص لزوم به‌کارگیری رویکردهای جدید در خصوص خسارات ناشی از عملکرد سیستم‌های هوش مصنوعی منتشر کرد. بر اساس مباحث مطرح شده در این سند، فناوری‌های نوظهور دیجیتال از جمله هوش مصنوعی، با خصوصیات ویژه خود از جمله پیچیدگی، ابهام در عملکرد، استقلال و خودمختاری و عدم قابلیت پیش‌بینی، چالش‌هایی را برای نظام مسئولیت کنونی ایجاد کرده‌اند. اگرچه می‌توان بعضی از نظام‌های مسئولیت موجود را در رابطه با تکنولوژی‌های دیجیتال به‌کار برد، اما این نظام‌ها طی دهه‌ها و حتی قرن‌های گذشته ایجاد شده‌اند و حاوی مدل سنتی انسان‌محور

1. International Classification of Goods and Services for registration of signs (NCGS), (class 09, basic No. 090778), (11th edition, publication 1). "Kodeks" legal system. Available at: <https://docs.cntd.ru/document/420273241>

هستند و لازم است در مقابله با خسارات ایجاد شده ناشی از فناوری‌های نوظهور از جمله هوش مصنوعی، اندکی تغییر و تعدیل در آن‌ها لحاظ شود. به عنوان مثال شخصی که اجراکننده یک تکنولوژی جدید مانند خودروهای خودران است که ریسک ورود خطر به بقیه را به همراه دارد، می‌بایست در رابطه با خسارات ناشی از عملکرد این ربات مسئولیت مطلق داشته باشد.^۱

۲-۲. هوش مصنوعی به عنوان حیوان

از جمله فروضی که در خصوص شناسایی شخصیت هوش مصنوعی مطرح می‌شود آن است که این سیستم‌های هوشمند را به منزله حیوان در نظر گرفت. در همین راستا، برخی حقوق‌دانان معتقدند می‌توان مسئولیت ناشی از ربات را با مسئولیت نگهداری حیوان مقایسه کرد. «توجیه این ادعا آن است که رفتار حیوانات مانند ربات‌ها پیش‌بینی‌ناپذیر، خطرناک و تابع اصل آزمون و خطاست. این در حالی است که فعالیت هوش مصنوعی عمدتاً مبتنی بر الگوریتم‌های مشابه افکار منطقی انسان است و تنها بخشی از عملکرد آن غیرقابل پیش‌بینی و از جهاتی قابل قیاس با احساسات و غرایز حیوانی است» (رجبی، ۴۵۵: ۱۳۹۸).

برخی دیگر از حقوق‌دانان قائل به تفکیک انواع مختلف سیستم‌های هوش مصنوعی شده‌اند و ربات را با توجه به نوع آن با حیوان مقایسه می‌کنند (Kelley et al, 2016: 2). برای مثال، ربات‌های خودکار و نیمه‌مستقل را با حیوانات اهلی و ربات‌های کامل خودمختار یا متحرک را با حیوانات وحشی مورد مقایسه قرار می‌دهند. «البته این یکسان‌انگاری نیز نمی‌تواند تحلیل درستی در این خصوص باشد. انسان در تولید حیوان و طراحی آن نقشی ندارد و رفتار حیوان تابع ذات آن است، اما ربات و هوش مصنوعی محصول انسان است و او خالق این محصول است» (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۵).

اگر ربات به منزله حیوان در نظر گرفته شود، بحث مسئولیت مالک ربات و متصرف حیوان مطرح می‌شود. در حالت کلی اصل بر آن است که کسی باید مسئولیتی برای جبران را بپذیرد که در رفتار خود از حالت متعارف خارج شود. از دیرباز تقصیر، شرط اصلی در مسئولیت مدنی بوده و مبنای اولیه در مسئولیت مدنی ناشی از فعل حیوان نیز است و مسئولیت بدون تقصیر حالت استثنایی دارد (رهپیک، به نقل از یزدانیان و نیازی، ۱۳۹۶: ۱۷۲). در فقه اسلامی به صورت پراکنده به این موضوع اشاره شده است. به عنوان مثال در مورد مسئولیت صاحبان حیوان آمده است: مالک حیوان در شب، ضامن خسارت ناشی از حیوان به مزرعه دیگری است، لیکن در روز ضامن نیست. مبنای اساس این تفاوت، مربوط به تقصیری است که مالک زراعت در روز نسبت به زراعت خویش روا داشته است.

1. Liability for Artificial Intelligence & Other emerging digital technologies (2019), Directorate-General for Justice and Consumers (European Commission), Report from the Expert Group on Liability and New Technologies, p.5.

قانون مجازات اسلامی ایران در این خصوص قائل به تفصیل شده است. برخی مواد این قانون از جمله ماده ۵۲۲ آن، با مفروض دانستن تقصیر مالک، مخصص تئوری تقصیر هستند و در سایر مواد، مبنای مسئولیت همچنان تقصیر است (یزدانیان و نیازی، ۱۳۹۶: ۱۷۳). همچنین قانون مدنی ایران در ماده ۳۳۴ و در باب تسبیب به این موضوع پرداخته است. در این ماده آمده است: «مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود، مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد.»^۱ شاید بتوان چنین معیاری را در مواجهه با خسارات ناشی از سیستم‌های هوش مصنوعی نیز اعمال کرد. در اینجا می‌بایست در خصوص انواع مختلف ربات‌ها قائل به تمایز بود، بدین صورت که در خصوص ربات‌های خودکار یا نیمه‌مستقل که عملکرد آن‌ها تا حد زیادی تحت کنترل و پیش‌بینی مالک و تولیدکننده خود است، مسئولیت مبتنی بر تقصیر را در مواقع ایجاد خسارت برای مالک یا تولیدکننده آن پیش‌بینی کرد.^۱ در مقابل، سیستم‌های کاملاً هوشمند و خودمختار به‌منزله حیوانات وحشی و خطرناک در نظر گرفته می‌شوند. از این رو «همان‌طور که صرف نگهداری حیوانات وحشی و خطرناک موجب فرض تقصیر و همچنین مسئولیت مطلق برای صاحب حیوان است، مالک یا کاربر ربات مذکور به‌صورت مطلق نسبت به خسارت‌های ایجادشده توسط ربات مسئول است، هرچند تمام تلاش خود را برای جلوگیری از ورود خسارت انجام داده باشد» (Kelley et al, 2016: 3). از مباحث مطرح شده می‌توان استنباط کرد که فرض مسئولیت مطلق برای تولیدکنندگان و کاربران سیستم‌های هوش مصنوعی کاملاً خودکار و گاه خطرناک، می‌تواند به‌عنوان عامل انگیزشی برای تشویق تولیدکنندگان به تولید ربات‌های بدون عیب و همچنین تشویق کاربران این سیستم‌ها به طراحی الگوریتم‌هایی با عملکرد مجاز و قابل پیش‌بینی مؤثر واقع شود.

با شناسایی سیستم‌های هوش مصنوعی به‌منزله حیوان، علاوه بر لزوم شناسایی نهاد مسئول در موارد بروز خسارت، بحث مالکیت خروجی‌های خلاقانه این موجودات مطرح می‌شود. نظام‌های سنتی حقوقی به لحاظ عدم قصد و اراده، حقی را برای حیوانات قائل نیستند. مثبت این مدعا سلفی معروف میمون در سال ۲۰۱۷ است. دیوید استیلر برای عکس‌برداری از میمون‌هایی که در معرض خطر انقراض بودند، به اندونزی سفر کرد. از آنجا که این میمون‌ها از نزدیک شدن این عکاس به خود مضطرب بودند، وی دوربین را به نحوی تنظیم کرد که آن‌ها بتوانند به‌صورت ناگهانی از خودشان عکس‌برداری کنند. پس از اینکه این عکس مورد توجه تبلیغاتی قرار گرفت، فعالان حوزه حقوق حیوانات مدعی شدند که میمون استحقاق بیشتری برای مالکیت عکس‌های گرفته شده نسبت به عکاس دارد. در نهایت استیلر با استناد به قوانین موجود در این پرونده پیروز شد و نهایتاً موافقت کرد تا ۲۵ درصد از حق‌التالیف

۱. در خصوص مسئولیت مبتنی بر تقصیر برای مالک حیوانات ر.ک. به ماده ۳۳۴ قانون مدنی ایران.

عکس‌هایی که در آینده از میمون‌ها می‌گیرد را به گروه‌های حامی میمون‌ها اعطا کند.^۱ در نتیجه این قیاس، خروجی‌های خلاقانه ناشی از هوش مصنوعی نیز به مالکان و کاربران آن منتسب خواهد شد.

۳-۲. هوش مصنوعی به عنوان کودک و برده

از جمله نظریات ارائه شده آن است که هوش مصنوعی و ربات را از لحاظ حقوقی در قالب یک کودک تصور کرد. منطق این پیشنهاد آن است که همان‌طور که کودک تحت اختیار و کنترل و نگهداری سرپرست خود است، ربات‌ها هم تحت کنترل و نگهداری تولیدکننده، مالک یا کاربر خود هستند (Pagaloo, 2013: 131). کودکان شخصیتی مشترک با بزرگسالان دارند؛ لیکن عدم بلوغ مانع جریان همه حقوق و تکالیف «در خصوص مسئولیت خسارات ناشی از اقدامات قانونی یک بزرگسال است. بدین ترتیب تا زمانی که کودک به‌طور کامل به بلوغ نرسیده باشد و از منطق بزرگسالی برخوردار نباشد، مجاز نیست که اختیارات یا مسئولیت‌های شخصیت کامل را به عهده گیرد. بدین جهت، کودکان شخصیت دارند، ولی برای وضعیت آن‌ها راه‌حل‌های دیگری در نظر گرفته شده است. با وجود آنچه بیان شد، آیا در خصوص هوش مصنوعی منصفانه نیست که از منظر حقوقی با این فناوری‌ها نیز مشابه با افراد زیر سن قانونی یا افراد دارای نقص شناختی برخورد شود؟ (لطیف‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۴۷).

کودکان، اصولاً مسئولیت سرپرستان کودک مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. در مورد رفتار ربات نیز اگر تولیدکننده، مالک یا کاربر در تولید، نگهداری یا استفاده آن سهل‌انگاری یا بی‌احتیاطی کند مسئول آسیب‌های وارد شده هستند (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۶). این استدلال از جهتی مناسب به نظر می‌رسد. روند رشد و توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی با رشد و تحول یک کودک قابل قیاس است و در مقام تمثیل می‌توان توانایی توسعه در آموخته‌ها و مستقل شدن هوش مصنوعی از کاربر یا برنامه‌نویس را با عملکرد یک کودک مقایسه کرد. با این حال، قیاس سیستم‌های هوش مصنوعی و کودک از باب تشخیص شخص مسئول راه به جایی نمی‌برد. چنان‌که در گزارش اخیر کارگروه تخصصی کمیسیون اتحادیه اروپا منتشر شده است، نظام‌های سنتی مسئولیت از جمله مسئولیت مبتنی بر تقصیر در خصوص خسارات ناشی از عملکرد سیستم‌های هوش مصنوعی راهگشا نیستند و لازم است در این خصوص مسئولیت مطلق برای کاربران و مالکان این سیستم‌ها در نظر گرفته شود.^۲ علاوه بر این، قیاس ماهیت کودک و ربات با ایرادات دیگری نیز روبه‌روست، زیرا کودک از قابلیت دارا شدن حق و تکلیف برخوردار است، اما این

1. M Haag (2017), 'Who Owns a Monkey Selfie? Settlement Should Leave Him Smiling' New York Times (11 September 2017), Last seen: 7/Jun/2024.

2. Liability for Artificial Intelligence & Other emerging digital technologies (2019), Directorate-General for Justice and Consumers (European Commission), Report from the Expert Group on Liability and New Technologies, p.8.

امر در ربات با مشکل روبه‌رو است. از طرفی این استدلال مطرح می‌شود که عملکرد هوش مصنوعی مبتنی بر آگاهی نسبی است و می‌توان ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی را به این سیستم‌های هوشمند تعمیم داده و خود هوش مصنوعی را در خصوص خسارات وارده مسئول دانست. بر اساس این ماده: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود، ضامن است». در واقع هر چند صغیر امور خود را بدون اراده و آگاهی کامل انجام می‌دهد، اما قانون او را مسئول ضرر وارده می‌داند. هوش مصنوعی اگر از یک فرد بالغ، در درک و آگاهی برتر نباشد، به مراتب از کودک برتر است. پس می‌توان او را نیز مسئول دانست؛ زیرا هدف نهایی از مسئولیت مدنی جبران ضرر است. پس اینکه چه شخصی مسئول باشد و اینکه آن شخص در چه وضعی به سر می‌برد، اهمیت چندانی ندارد (ولی‌پور و اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۱۰).

فرض دیگری که در این خصوص مطرح می‌شود، قیاس وضعیت سیستم‌های هوش مصنوعی با شخصیت بردگان در مکتب حقوقی اسلام است. اعمال شخصیت جزئی و ناقص در خصوص این سیستم‌های هوشمند سطحی از برخورداری از حقوق را در خصوص آن‌ها عملی می‌کند و در عین حال بر اساس این نظریه، مسئولیت کامل و مطلق برای آن‌ها متصور نیست. به نظر می‌رسد قیاس آفرینش‌های ناشی از هوش مصنوعی بیشتر با اعمالی که برده در فقه اسلامی انجام می‌داده، منطقی و امکان‌پذیر است.

۴-۲. هوش مصنوعی به‌عنوان نماینده

در دنیای فناوری کنونی در کنار مفهوم ربات و هوش مصنوعی، مفهومی تحت عنوان نماینده الکترونیکی نیز مطرح شده است و در بعضی از وب‌سایت‌های اینترنتی، قراردادهای الکترونیکی توسط الگوریتم‌های نیمه‌هوشمند به طریقت اشخاص منعقد می‌شوند. «برخی حقوق‌دانان این سیستم‌های هوشمند انتقاد قرارداد را وسیله‌ای برای ابراز رضایت و ایجاب شخص صاحب قرارداد می‌دانند و معتقدند می‌توان هوش مصنوعی را نیز همان نماینده کاملاً هوشمند شخص سازنده، صاحب یا کاربر آن دانست که صرفاً از جانب او اراده می‌کند و عملکردی را ایفا می‌کند» (ولی‌پور و اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۸).

اگرچه در نگاهی سطحی عملکرد نمایندگان الکترونیک قابل قیاس با سیستم‌های هوش مصنوعی است، اما با نگاهی دقیق در مفهوم نماینده، این نظر قابل انتقاد است. نماینده شخصی است که به نام و به حساب دیگری اقداماتی انجام می‌دهد. «اصولاً برای اعطا و اجرای نیابت در بعضی نظام‌های حقوقی شروطی مثل قصد و رضا و به‌نوعی اهلیت قانونی لازم است که تصور این موارد در ربات‌های هوش مصنوعی قدری دور از عقلانیت است» (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۷). البته نظام‌های حقوقی کامن‌لایی در برخی موارد نماینده را صرفاً به‌عنوان یک ابزار می‌داند و مهم نیست که خود نماینده اهلیت قانونی داشته باشد، زیرا او نوعی ابزار برای موکلش است که می‌تواند یک برده یا صغیر یا حتی مجنون باشد (Wilzig, 1981: 457).

باوجود تمایزات بارز سیستم‌های هوش مصنوعی و نمایندگان الکترونیک، شباهت‌هایی در ربات‌های

هوشمند و نماینده الکترونیک وجود دارد. «نماینده الکترونیک از ویژگی‌هایی همچون درجه‌ای از هوشمندی در عملکرد، قابلیت یادگیری، توانایی اجتماعی، قابلیت حرکت و عقلانیت برخوردار است که این ویژگی‌ها در ربات‌ها نیز صادق است» (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۲۵). در مجموع باید گفت نماینده الکترونیکی و ربات مفاهیمی مجزا و متفاوت ولی مرتبط در اهداف و عملکرد ایجاد می‌هستند و مهم‌تر آنکه هر دو محصول فکورانه فناوری هوش مصنوعی می‌باشند.

۵-۲. هوش مصنوعی به عنوان شخص حقوقی

«اگر سیستم‌های هوش مصنوعی را به عنوان شخص حقوقی مانند شرکت‌ها در نظر گرفت، اقداماتی که این اشخاص انجام می‌دهند، مستقل از کاربر و مالک آن است و این امر مشروط بر آن است که ما یک دارایی یا سرمایه کافی از هوش مصنوعی را برای جبران خسارت احتمالی در نظر بگیریم» (واتس، ۱۳۹۹: ۳۲۳). بدین ترتیب، ربات حقوق و تکالیف مستقل از مالک یا کاربر خود دارد و می‌تواند مانند شرکت‌ها دارای اموال و ذمه باشد، به عنوان خواهان اقامه دعوا کند و خواننده دعوا قرار بگیرد، مالیات بپردازد و خساراتی که ایجاد می‌کند را از اموال خود جبران کند و این حقوق از طریق عامل انسانی اجرا می‌شود. دیدگاه شخصیت حقوقی جمعی حمایت قابل توجهی را در میان طرفداران پذیرش شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی به همراه داشته است. مزیت اصلی این دیدگاه آن است که بنابر مفاد آن، مفاهیم انتزاعی همچون آگاهی و خودآگاهی برای سیستم‌های هوش مصنوعی متصور نخواهد بود.

در نحوه اعطای شخصیت حقوقی به اشخاص حقوقی و هوش مصنوعی شباهت‌هایی وجود دارد و ازجمله مهم‌ترین آن‌ها، لزوم ثبت اجباری اشخاص حقوقی است. این شیوه موجب محدود کردن شناسایی شخصیت حقوقی به چارچوب‌های قانونی و منع شناسایی شخصیت حقوقی به طرق غیرقانونی است. این در حالی است که یک انسان، به محض تولد به رسمیت شناخته می‌شود و متعلق حق قرار خواهد گرفت (Filipova & koroteev, 2023: 373). مزیت دیگر این دیدگاه آن است که همانند سایر اشخاص حقوقی، برای سیستم‌های هوش مصنوعی نیز اعطای شخصیت حقوقی را موکول به ثبت اطلاعات لازم در مراجع ثبت احوال مربوطه نموده است. این روش موجب نظام‌مندسازی اشخاص حقوقی و ایجاد بانک اطلاعاتی مشترک شده و برای مقامات دولتی نیز امکان کنترل و نظارت به‌ویژه در بحث مالیات را فراهم می‌کند (Popova, 2018: 14). بر اساس شیوه فرضیه حقوقی در رابطه با اشخاص حقوقی، اشخاص حقوقی ساختارهایی انتزاعی هستند و به منظور تأمین منافع اشخاص حقیقی که به عنوان مؤسسان یا ناظران آن‌ها عمل می‌کنند، طراحی شده‌اند. به‌طور مشابه، اشخاص حقیقی که از سیستم‌های هوش مصنوعی استفاده می‌کند و یا آن را برنامه‌ریزی می‌کند، درواقع این سیستم‌ها را با گرایش‌های خود هدایت می‌کند و این گرایش‌ها و تمایلات از طریق سیستم هوش مصنوعی در محیط بیرونی نمایش داده می‌شوند (Filipova & koreteev, 2023: 374).

باوجود شباهت‌های ذکر شده قیاس کامل میان وضعیت اشخاص حقوقی و سیستم‌های هوش مصنوعی امکان‌پذیر نیست. تمامی عملکردهای قانونی اشخاص حقوقی توسط اشخاص حقیقی انجام می‌شود که مستقیماً این تصمیمات را اتخاذ کرده‌اند. اراده‌ای که شخص حقوقی آن را ابراز می‌کند، همواره مشخص، معین و کاملاً تحت کنترل اراده اشخاص حقیقی است؛ بنابراین، بدون ابراز اراده اشخاص حقیقی، اجرای عملکرد اشخاص حقوقی غیرممکن است؛ اما در خصوص سیستم‌های هوش مصنوعی، مسئله خودمختاری این سیستم‌ها مطرح است و این به معنای احتمال اتخاذ تصمیماتی بدون مداخله اشخاص حقیقی است. هرچند دیدگاه اعطای شخصیت جمعی به سیستم‌های هوش مصنوعی از مزایایی برخوردار است، اما این دیدگاه با سنت‌های قانونی موجود مطابقت ندارد.

۶-۲. هوش مصنوعی به‌عنوان شخصیت مستقل

افراطی‌ترین دیدگاه که در عین حال کمترین میزان اقبال را در میان متخصصان دارد، باور به شخصیت حقوقی مستقل برای سیستم‌های هوش مصنوعی است. حامیان این رویکرد بر این باورند که با توجه به اهمیت و ظرفیت‌های اجتماعی سیستم‌های هوش مصنوعی، لازم است این سیستم‌ها از لحاظ قانونی جایگاه یکسانی با انسان‌ها داشته باشند و منافع آن‌ها به رسمیت شناخته شود (Mulgan, 2019: 901).

طرفداران اعطای شخصیت حقوقی مستقل به سیستم‌های هوش مصنوعی پیش‌بینی حقوق قانونی معادل با شهروندان واقعی برای این سیستم‌ها را منطقی نمی‌دانند؛ بلکه منظور اجرای برخی از حقوق مدنی با اعمال برخی چشم‌پوشی‌های قانونی در خصوص این موجودات هوشمند است. مبنای شکل‌گیری این دیدگاه، تفاوت‌های عینی و بیولوژیکی بین انسان و ربات است. به‌عنوان مثال، شناسایی حق حیات برای سیستم‌ها معنا ندارد. حقوق، آزادی‌ها و تکالیف سیستم‌های هوش مصنوعی در رابطه با حقوق شهروندان باید در درجه دوم قرار بگیرد.

دیدگاه شخصیت حقوقی مستقل برای هوش مصنوعی بنابر دلایل متعدد شانس کمی برای قانونی شدن و اجرایی شدن دارد. «اولاً، ضابطه شناسایی شخصیت حقوقی مستقل برای هوش مصنوعی انتزاعی و غیرعملی است. این ضابطه امکان وقوع موارد بی‌شماری از سوءاستفاده از قانون را ایجاد می‌کند و به مشکلات سیاسی و اجتماعی جوامع دامن خواهد زد. به‌علاوه، عملکرد سیستم‌های هوش مصنوعی مبتنی بر برنامه‌ای از پیش تعیین شده است و این سیستم‌ها قادر به پیاده‌سازی حقوق و تکالیف خود نیستند، حال آنکه اتخاذ تصمیم قانونی می‌بایست بر اساس انتخاب عینی و ابراز اراده مستقیم شخص صورت گیرد» (Morkhat, 2018, as cited in Filipova & Koreteev, 2023: 372).

درنهایت، شناسایی شخصیت حقوقی مستقل برای ربات‌ها موجب می‌شود این ربات‌ها به نحوی بر عملکرد انسان نظارت داشته باشند. درنتیجه، هوش مصنوعی به‌جای آنکه ابزاری برای تسهیل زندگی

انسان باشد، تبدیل به خطری بر سر راه او خواهد بود. به همین خاطر، جهت‌گیری کلی حقوق‌دانان بر آن است که در اعطای شخصیت حقوقی به سیستم‌های هوش مصنوعی اغراق صورت نگیرد.

۷-۲. هوش مصنوعی و شخصیت حقوقی طیفی

با توجه به محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر دیدگاه‌های مطرح شده، برخی پژوهشگران این حوزه دیدگاه جدیدی را برای حل مسئله وضعیت حقوقی سیستم‌های هوش مصنوعی ارائه کرده‌اند. کلیت این دیدگاه به معنای در نظر گرفتن شخصیت حقوقی محدود و جزئی در رابطه با هوش مصنوعی است. یکی از پژوهشگران دانشگاه لئون در این باره معتقد است: «دلیل به‌کارگیری اصطلاح شخصیت طیفی^۱ یا متغیر آن است که در اینجا صرفاً بحث شمول یا عدم شمول حقوق و تعهدات خاص بر وضعیت حقوقی هوش مصنوعی مطرح نیست، بلکه این دیدگاه متضمن شکل‌دهی به مجموعه‌ای از این حقوق و تکالیف با آستانه پذیرش حداقلی و همچنین شناسایی این شخصیت حقوقی به‌منظور رسیدن به اهداف خاص است.» (Mocano, 2021: 8). با توصیفات ذکر شده، دو رویکرد اصلی این دیدگاه به این ترتیب خواهد بود: ۱. اعطای شخصیت حقوقی ویژه به سیستم‌های هوش مصنوعی و شناسایی اشخاص الکترونیکی در نظم حقوقی کنونی به‌عنوان دسته‌بندی جدیدی از موضوعات حقوقی؛ ۲. اعطای شخصیت حقوقی و اهلیت محدود به سیستم‌های هوش مصنوعی مطابق با چارچوب‌های کنونی قانونی، از طریق ایجاد نهاد «نمایندگان الکترونیک»^۲.

مزیت عمده رویکرد اعطای شخصیت حقوقی ویژه به سیستم‌های هوش مصنوعی از طریق ایجاد تأسیس حقوقی اشخاص الکترونیک آن است که موجب شفاف‌سازی و تنظیم روابط ایجاد شده میان سیستم‌های هوش مصنوعی و کاربران و همچنین روابط میان سیستم‌های هوش مصنوعی و اشخاص ثالث در روابط حقوق مدنی می‌شود (Schrijver, 2018: 1). با این استنباط قانونی، سیستم‌های هوش مصنوعی به‌صورت مجزا از مالکان یا کاربران خود مورد کنترل و نظارت قرار خواهند گرفت. همانند دیدگاه شخصیت حقوقی جمعی در خصوص سیستم‌های هوش مصنوعی، در این رویکرد نیز ثبت اشخاص الکترونیک لازم دانسته شده است. بیان شفاف و تفصیلی حقوق و تعهدات اشخاص الکترونیک به‌عنوان پایه و اساس برای کنترل‌های بعدی بر مالکان و کاربران سیستم‌های هوش مصنوعی محسوب می‌شود. به‌علاوه، تعریف دقیق دایره صلاحیت‌ها و در نظر گرفتن میزان محدودی از شخصیت حقوقی و اهلیت قانونی برای اشخاص الکترونیک، این اطمینان را به دست می‌دهد که شخص مورد نظر با ایجاد تصمیمات خودمختار و خودفراگیری، از دستور کاری که برای آن برنامه‌ریزی شده است، تجاوز نخواهد کرد.

1. Gradient

2. Electronic agent

ورود یک نهاد و تأسیس حقوقی جدید در یک نظام حقوقی تثبیت شده پیامدهای جدی از لحاظ قانونی به همراه خواهد داشت و مستلزم اصلاحات بنیادی در قانون‌گذاری به‌ویژه در حوزه قانون اساسی و مدنی است. از این رو، پژوهشگران حقوقی با جدیت تأکید دارند که «با توجه به دشواری‌های شناسایی اشخاص جدید در قلمرو قانون، لازم است در معرفی مفهوم شخص الکترونیک جانب احتیاط رعایت شود؛ زیرا گسترش مفهوم شخص در معنای حقوقی می‌تواند منجر به محدود کردن حقوق و منافع قانونی در خصوص روابط حقوقی موجود شود (Bryson et al, 2017: 274).

رویکرد دوم ذیل دیدگاه اعطای شخصیت طیفی به هوش مصنوعی به معنای مفهوم حقوقی نمایندگان الکترونیکی است که عمدتاً مربوط به استفاده گسترده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری برای تجارت آنلاین است. می‌توان این رویکرد را رویکردی میانه‌گرا و همراه با تسامح و تساهل دانست؛ چون از طرفی اعطای شخصیت تمام و کمال به سیستم‌های هوش مصنوعی را غیر ممکن اعلام می‌کند و در عین حال، حقوق و تکالیف ویژه‌ای را برای این سیستم‌ها مقرر می‌کند. به‌واقع مفهوم نمایندگان الکترونیک، به هویت ظاهری سیستم‌های هوش مصنوعی مشروعیت می‌دهد. طرفداران این رویکرد بر ویژگی‌های کاربردی هوش مصنوعی تأکید دارند که این امکان را به این سیستم‌ها می‌دهد تا هم به‌صورت ابزار منفعل و هم به‌عنوان عامل فعال در روابط حقوقی عمل کنند و همچنین به‌صورت بالقوه و مستقل قادر به انعقاد قراردادهای حقوقی برای مالکان سیستم باشند. به همین دلیل است که سیستم‌های هوش مصنوعی قادر هستند، به‌صورت مشروط در روابط نمایندگی کارایی مثبتی داشته باشند (Morkhat, 2018: 283).

با توجه به نقش هوش مصنوعی خلاق در تولید اموال فکری از یک سو و غیرمنصفانه بودن نقی هرگونه شخصیت برای هوش مصنوعی به نظر می‌رسد راه‌حل این امر اعطای شخصیت محدود و به عبارتی شخصیت طیفی در این زمینه است (لطیف‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۴۸). در جمع‌بندی مطالب بیان شده می‌توان رویکرد اعطای شخصیت حقوقی طیفی به سیستم‌های هوش مصنوعی را با سازنده یک ساختمان مقایسه کرد که برای ساختن یک سازه جدید، از دیدگاه‌های موجود به‌عنوان مصالح استفاده می‌کند و با ترکیب آن‌ها و با در نظر گرفتن ویژگی‌های عملکردی سیستم‌های هوش مصنوعی و مشخص کردن محدوده وظایف هر نوع از انواع این سیستم‌ها، این کار را انجام می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت: از میان دیدگاه‌های مطرح شده، دیدگاه شخصیت حقوقی طیفی بالاترین شانس را برای اجرایی شدن در نظم حقوقی کنونی خواهد داشت.

۳. بررسی دیدگاه نظام‌های مختلف حقوقی در باب اعطای شخصیت به هوش مصنوعی

۳-۱. حقوق اسلام

حقوق‌دانان مسلمان صلاحیت قانونی را صرفاً برای اشخاص حقیقی ثابت می‌دانند؛ زیرا انسان تنها موجودی

است که در متون دینی مورد خطاب قرار گرفته و شایسته فهم مطالب آن دانسته شده است.^۱ «در واقع حقوق دانان اسلامی شخصیت حقوقی را صلاحیتی می دانند که از طرف خداوند به انسان اعطا شده و بر اساس آن، او از حقوقی برخوردار و متعهد به انجام تکالیفی خواهد بود» (Hussein & Fayyad, 2023: 6). ازجمله دلایل اصلی مخالفت حقوق دانان مسلمان با اعطای شخصیت حقوقی به غیر انسان، اعتقاد به این باور است که صلاحیت قانونی مختص انسان است و قواعد شریعت صرفاً اشخاص حقیقی را مستحق برخورداری از حق می داند. تعریف مفهوم «حق» در میان معتقدین به دیدگاه شخصی و عینی متفاوت است. در دیدگاه اول، عقیده بر آن است که صرفاً اشخاص حقیقی می توانند از حق برخوردار شوند، زیرا صرفاً انسان از قوه تفکر و تعقل برخوردار است. در مقابل، معتقدین به دیدگاه عینی بر این باورند که مبنای ایجاد حق، مصلحت جامعه است و نیاز و مصلحت جامعه، مبنای اعطای شخصیت به هر موجودی غیرانسانی در مواقع ضروری است. با گذشت زمان، طرفداران دیدگاه عینی در این رقابت پیروز شده اند و امروزه این دیدگاه تبدیل به مهم ترین مکتب در حقوق اسلام شده است (صبحی، ۱۴۳۲ق: ۱۴۳). همچنین اعطای شخصیت حقوقی مستقل به نهادهایی ازجمله موقوفه، تأییدی بر پذیرش دیدگاه عینی در مکتب حقوقی اسلام است. به علاوه، اخیراً با توجه به نیاز جوامع به شناسایی سایر نهادهای قانونی و اعطای شخصیت حقوقی مستقل به آن ها مانند شرکت ها و...، حقوق دانان اسلامی اهلیت قانونی این نهادها را پذیرفته اند و با آن ها با عنوان اشخاص حقوقی رفتار می کنند (گندم کار و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵۱). راه حل دیگر، پذیرش شخصیت جزئی برای این سیستم های هوش مصنوعی است که تقریباً معادل با شخصیت بردگان در مکتب حقوقی اسلام است. اعمال شخصیت جزئی و ناقص در خصوص این سیستم های هوشمند سطحی از برخورداری از حقوق را در خصوص آن ها عملی می کند و درعین حال بر اساس این نظریه، مسئولیت کامل و مطلق برای آن ها متصور نیست.

علاوه بر فروض اشاره شده، شاید بتوان هوش مصنوعی را به عنوان صغیری در نظر گرفت که ولی یا قیم می تواند به نیابت از او در جایگاه قانونی قرار گیرد. «ربات های هوش مصنوعی همانند انسان ها توانایی انتخاب ندارند و تمام پاسخگویی، تصمیم گیری ها و انتخاب های آن ها مبتنی بر برنامه ریزی انسانی در حافظه ساختگی هوش مصنوعی است» (Bukhari & Mehmood, 2017: 25). همچنین به نظر می رسد تعمیم شخصیت محدود و جزئی یا شخصیت حقوقی محجورین (صغار) در خصوص ربات های هوش مصنوعی قابل اعمال است. اعمال قواعد حجب بر اشخاص محجور از طرفی در جهت حفظ منافع شخص محجور و از جهتی برای حفظ منافع عمومی است. در این میان بنابر تحقیقات مکاتب

۱. در آیه ۷۲ سوره مبارکه احزاب آمده است: «ما بر آسمان ها و زمین و کوه های جهان عرض امانت کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیدند تا انسان پذیرفت و انسان هم در اداء امانت بسیار ستمکار و نادان بود.»

مختلف اسلامی، حفظ منافع جمعی و عمومی بخش مهم‌تری از هدف قانون حجر را در برمی‌گیرد (Sitiris & Busari, 2024: 31). لذا تأمین منافع و امنیت عموم جامعه تا حدی لزوم اعطای شخصیت محجورین به هوش مصنوعی را توجیه می‌کند.

۱-۳. نظام حقوقی ایران

در قانون مدنی ایران در مواد ۹۵۶ تا ۹۶۱ تنها از اشخاص حقیقی و حقوقی صحبت شده است. با این حال «ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ شخص را اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی و یا سیستم‌های رایانه‌ای می‌داند. به نظر می‌رسد این قانون نظریه جدیدی تحت عنوان اعطای شخصیت به سیستم رایانه‌ای را مطرح می‌کند» (ارزانیان و ایزدی، ۱۳۹۸: ۲۱۲)؛ اما از آنجاکه این نظریه تاکنون در حد معرفی شخص الکترونیک باقی مانده است و به مرحله اجرایی نرسیده است، نمی‌تواند متعلق اعتبار قانونی باشد. افزون بر این، برخلاف بند (م) ماده ۲ این قانون، مفاد سایر بندهای این ماده موضوع اعطای شخصیت کامل به هوش مصنوعی را منتفی می‌داند (لطیف‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۴۷). به‌علاوه در حوزه قوانین مالکیت فکری، ماده ۱ قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، اختراع را نتیجه فکر فرد یا افراد (اشخاص حقیقی) می‌داند. همچنین لزوم ثبت نام اشخاص حقیقی به عنوان مخترع در ماده ۵ این قانون، به‌صورت ضمنی انحصار تعلق حقوق آثار مالکیت فکری همچون اختراعات به اشخاص حقیقی را تأیید می‌کند.

۲-۳. عربستان سعودی

از میان کشورهای اسلامی سرآمد در سرمایه‌گذاری حوزه هوش مصنوعی، عربستان سعودی در سال‌های اخیر مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. «اعطای حق شهروندی و تابعیت به ربات سوفا^۱ توسط عربستان سعودی درواقع پیشنهادی برای اصالت وجودی شخصیت حقوقی هوش مصنوعی در زمان معاصر محسوب می‌شود» (Sitiris & Busari, 2024: 32). توسعه فناوری هوش مصنوعی یکی از اهداف اصلی چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی را تشکیل می‌دهد.^۲ بر اساس آمار از میان ۹۶ اهداف راهبردی مشخص شده در این چشم‌انداز، ۶۶ هدف مرتبط با هوش مصنوعی است. این اهداف شامل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و همچنین ایجاد محیط نظارتی است تا دولت عربستان به‌عنوان یک قدرت پیشرو در زمینه هوش مصنوعی شناخته شود. در همین راستا اخیراً مرجع قانونی خاصی به‌عنوان مرجع هوش مصنوعی و داده عربستان سعودی^۳ ایجاد شده است (Meenagh et al, 2024: 4).

1. Sophia

2. Available at: <https://www.vision2030.gov.sa/en/vision-2030/overview>, Last seen: 15/June/2024

3. Saudi Data & Artificial Intelligence Authority (SDAIA)

در سال ۲۰۲۳ دو رویداد مهم در قوانین مرتبط با هوش مصنوعی در عربستان سعودی اتفاق افتاده است. نخست، در آپریل ۲۰۲۳، مرجع مالکیت فکری عربستان سعودی^۱ پیش‌نویسی را در خصوص اصلاحات قوانین موجود مالکیت فکری و با هدف هماهنگی در قوانین موجود مالکیت فکری منتشر کرد. بخشی از این پیش‌نویس، مرتبط با قواعد مالکیت فکری مرتبط با هوش مصنوعی (با عنوان مالکیت فکری مرتبط با هوش مصنوعی و فناوری‌های نوظهور و حمایت انگیزشی از آن) است. بر اساس مواد این پیش‌نویس، هوش مصنوعی نمی‌تواند آفریننده و ایجادکننده یک اثر فکری باشد. درواقع، حمایت مالکیت فکری در خصوص محتوایی اعمال می‌شود که عامل انسانی نقش برجسته‌ای در ایجاد آن داشته باشد. همچنین، در صورتی که یک اثر فکری بدون دخالت برجسته عامل انسانی و به صورت مستقل توسط هوش مصنوعی ایجاد شده باشد، محتوای مذکور از حقوق مالکیت فکری برخوردار نخواهد بود و اثر فکری وارد قلمرو دسترسی عمومی خواهد شد. ملاک و میزان برجستگی نقش عامل انسانی به‌طور مشخص در پیش‌نویس تعیین نشده است و در هر مورد به‌طور خاص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در سپتامبر ۲۰۲۳، مرجع هوش مصنوعی عربستان سعودی نسخه‌نهایی اصول اخلاقی مربوط به هوش مصنوعی را منتشر کرد.^۲ این اصول به‌منزله نخستین چارچوب قانونی عربستان سعودی در حوزه هوش مصنوعی است و اصول اخلاقی هوش مصنوعی را به‌عنوان تکنیک‌هایی برای هدایت رفتارهای اخلاقی در توسعه و کاربرد فناوری‌های هوش مصنوعی مشخص می‌کند.^۳ مهم‌ترین موارد مطرح شده در این پیش‌نویس عبارت‌اند از: رعایت عدالت، جلوگیری از سوگیری و تبعیض در عملکرد سیستم‌های هوش مصنوعی، قابلیت برقراری اطمینان و امنیت از طریق منع استفاده از سیستم‌های پرخطر و اصل شفافیت و توضیح‌پذیری. در این میان، عملکرد هوش مصنوعی در موضوع مالکیت فکری نیز مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه نظام مالکیت فکری عربستان به‌طور کلی قواعد جداگانه‌ای در خصوص هوش مصنوعی وضع نکرده است، با این حال در مواردی این قواعد مدنظر قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، این نظام حقوقی صرفاً اشخاص حقیقی (غیرماشین) را در ایجاد و آفرینش آثار مالکیت فکری به رسمیت می‌شناسد.

۲-۳. اتحادیه اروپا

در نگاه کلی اتحادیه اروپا در پذیرش شخصیت حقوقی سیستم‌های هوش مصنوعی، رویکردی انسان‌محور را برگزیده است. مبین این ادعا مفاد مصوبات اخیر اتحادیه اروپا در خصوص موضوع رباتیک است (ابوذری، ۲۰۲۳: ۱۴۰۱). ماده ۳ مصوبه ۲۰۱۷ اتحادیه اروپا در این خصوص مقرر می‌کند:

1. Saudi Arabia Authority for Intellectual Property (SAIP)

2. Available at: <https://sdaia.gov.sa/en/SDAIA/about/Documents/ai-principles>, Last seen: 15/June/2024

3. AI Ethics Principles (Version 1.0), p. 6.

«توسعه فناوری ربات‌ها باید مکمل توانمندی‌های بشر باشد و نه جایگزین آن و در فرایند توسعه هوش مصنوعی، تضمین کنترل انسان بر ابزار هوشمند امری لازم و ضروری است»^۱

بند ۵۷ مصوبه ۲۰۱۷ اتحادیه اروپا در حوزه رباتیک، خواستار تنظیم یک وضعیت قانونی و تعیین تکلیف خساراتی شد که به واسطه ربات‌ها ایجاد شده است. پارلمان اروپا در اینجا نه از مفهوم شخص حقوقی، بلکه به عنوان شخص الکترونیک یاد می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تمایل اتحادیه اروپا به اعطای شخصیت الکترونیک یا مجازی به ربات‌ها است، نه شخصیت حقوقی مانند شرکت‌ها. این رویکرد پارلمان اروپا در واقع انتخاب یک منطقه میانی در تنظیم قوانین در خصوص مسئولیت ربات‌ها است و در عمل موجب کاهش بار حقوقی بر عهده سازندگان و کاربران این ربات‌ها خواهد بود. «از یک سو، آن‌ها قادر به ارائه نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها بدون ترس از تحمل مسئولیت احتمالی ایجاد شده ناشی از خطرات استفاده از نوآوری‌ها هستند و از سوی دیگر با توجه به استقلال عملکرد این ربات‌ها، در برخی مواقع این افراد مسئول اعمال ربات‌ها نیز خواهند بود» (Novelli, 2022: 1347).

در اکتبر ۲۰۲۰، پارلمان اروپا سه مصوبه را در خصوص جنبه‌های حقوقی هوش مصنوعی منتشر کرد که در آن، شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی در نظر گرفته نشده است. به عنوان مثال، در بند ۷ این مصوبه در خصوص مسئولیت مدنی آمده است: «اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی ضرورتی ندارد.» همچنین بند ۶ این مصوبه مقرر می‌دارد: هرگونه تغییر در چارچوب قانونی کنونی باید با تصریح به این امر همراه شود که سیستم‌های هوش مصنوعی از شخصیت حقوقی همانند انسان برخوردار نیستند و وظیفه اصلی آن‌ها، آن است که در خدمت بشریت باشد. روشن است که مفاد این مصوبات اشاره به رویکرد انسان‌محور اتحادیه اروپا در پذیرش شخصیت حقوقی هوش مصنوعی دارد. برخی حقوق‌دانان رویکرد مذکور را خالی از اشکال نمی‌دانند. از جمله انتقادهای وارده آن است که «اشخاص حقوقی دیگر نیز همچون شرکت‌ها از وجود انسانی برخوردار نیستند، اما موفق به داشتن این شخصیت حقوقی شده‌اند. به نظر می‌رسد پارلمان اروپا به صورت ضمنی در نظر دارد تا در درازمدت شخصیت حقوقی هم‌تراز با انسان را به سیستم‌های هوش مصنوعی اعطا کند و شاید علت عدم تصویب این امر تاکنون، تبعات حقوقی اعطای این شخصیت حقوقی به ربات‌های خودمختار است» (Mocanu, 2022: 5).

۳-۳. نظام حقوقی آلمان و فرانسه

در اوایل دهه چهارم قرن بیستم، در نظام حقوقی آلمان شخصیت حقوقی جزئی این گونه تعریف می‌شود: «یک موقعیت حقوقی است که در خصوص انسان و یا نهادهای انسانی اعمال می‌شود. این نهادها برخوردار از حقوق هستند، ولی تعهدی بر عهده آن‌ها نیست.» درواقع این نظریه اعتراضی به تقسیم‌بندی

1. Rules on Robotics (2015/2103 (INL)), Last seen:15/June/2024

دوگانه حقوقی بین انسان و اشیا بوده است. نظام حقوقی آلمان از این نظریه برای تنظیم امور مربوط به فرایند تشکیل شرکت‌ها استفاده می‌کرد. این شرکت‌ها به واسطه تبعیت از شرکت مادر، از الزامات ثبتی معاف می‌شدند و صلاحیت قانونی جزئی به آن‌ها اعطا می‌شد (Kahn et al, 2011: 159).

اخیراً برخی حقوق‌دانان آلمانی نظریه صلاحیت قانونی جزئی را قابل تعمیم به سیستم‌های هوش مصنوعی به‌ویژه ربات‌های خودمختار دانسته و معتقد به لزوم اعطای برخی حقوق و در نظر گرفتن تعهداتی متناسب با عملکرد آن‌ها هستند (Calo, 2015: 513)؛ بنابراین نظریه، یک ربات صلاحیت جزئی قانونی را کسب می‌کند، چون عملکرد و توانایی‌های آن محدود به انجام بعضی وظایف خاص است؛ بنابراین «باید با این ربات‌ها به منزله اشخاص حقوقی برخورد کرد که صلاحیت قانونی جزئی دارند، با این تفاوت که تکالیف و تعهداتی بر عهده آن‌ها نیست و بحث مسئولیت در خصوص آن‌ها اعمال نمی‌شود. مالک ربات، مسئول اعمال انجام شده توسط ربات است، چون ربات موجودی وابسته به مالک است و همچون خدمتکاری پیشرفته است که دستورات او را اجرا می‌کند. البته این مسئولیت، مبتنی بر تقصیر مالک در نظارت و کنترل عملکرد ربات است» (Hew, 2014: 16).

در نوامبر ۲۰۲۳ سه کشور آلمان و فرانسه و ایتالیا تفاهم‌نامه‌ای در مورد آینده تقنین در حوزه هوش مصنوعی و با هدف ایجاد گامی در جهت شکل‌دهی چشم‌انداز هوش مصنوعی در راستای قوانین اتحادیه اروپا منعقد کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین اهداف این تفاهم‌نامه ایجاد رویکرد متحدالشکل در خصوص تقنین در حوزه هوش مصنوعی است. همچنین تأکید بر ایجاد نظام ضمانت اجرایی برای مسئولیت ناشی از عملکرد هوش مصنوعی از مهم‌ترین مفاد این تفاهم‌نامه است (Thoms et al, 2023: 1). لذا همچنان باید منتظر رویکرد قاطع‌تری برای آینده بود.

نتیجه‌گیری

اعطای شخصیت به سیستم‌های هوش مصنوعی از جمله نظریاتی است که اخیراً با توجه به عملکردهای خلاقانه این سیستم‌ها مورد توجه متخصصان این حوزه قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، دکترین‌های مختلف امکان‌سنجی اعطای شخصیت به هوش مصنوعی و همچنین دیدگاه نظام‌های حقوقی اسلام و اروپایی در این خصوص مورد بررسی قرار گرفته است. این دکترین‌ها ابعاد متفاوتی از اعطای شخصیت را پیشنهاد می‌کنند و هر یک با چالش‌هایی در قانون‌گذاری و اجرا مواجه هستند. از جمله نظریات منطقی که در این خصوص مطرح می‌شود، قیاس وضعیت سیستم‌های هوش مصنوعی با شخصیت بردگان در مکتب حقوقی اسلام است. اعمال شخصیت جزئی و ناقص در خصوص این سیستم‌های هوشمند سطحی از برخورداری از حقوق را در خصوص آن‌ها عملی می‌کند و در عین حال بر اساس این نظریه، مسئولیت مطلق برای آن‌ها متصور نیست. به نظر می‌رسد قیاس آفرینش‌های ناشی از هوش مصنوعی بیشتر با اعمالی که برده در فقه اسلامی انجام می‌داده، منطقی و امکان‌پذیر است، چراکه اراده انجام فعل

در هر دو محدودش است.

اگرچه به دلیل سطوح متفاوت عملکردی انواع سیستم‌های هوش مصنوعی، نمی‌توان حکم واحدی برای حدود شخصیت این سیستم‌ها ارائه داد، از میان دیدگاه‌های مطرح شده، دیدگاه شخصیت حقوقی طیفی بالاترین شانس را برای اجرایی شدن در جوامع کنونی خواهد داشت. مثبت این ادعا، موضع‌گیری صریح و یا ضمنی اغلب نظام‌های حقوقی مطرح دنیا نسبت به این مسئله است. درنهایت، اعطای شخصیت حقوقی به ماشین و سیستم‌های هوش مصنوعی در چارچوب‌های حقوقی کنونی همچنان غیرقابل اعمال است و بررسی دکترین‌های مطرح شده در خصوص امکان‌سنجی اعطای شخصیت به هوش مصنوعی ناظر بر اهمیت این موضوع و نوعی آینده‌پژوهی محسوب می‌شود.



فهرست منابع

- ابوذری، مهنوش (۱۴۰۱ ش). **حقوق و هوش مصنوعی**، چاپ ۲، تهران: نشر میزان.
- ارزانیان، نسترن و ایزدی، زهرا (۱۳۹۸ ش). «بررسی حقوقی اعطای شخصیت حقوقی به ربات‌ها از منظر قوانین جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه وکیل مدافع**، شماره ۱۹.
- رجبی، عبدالله (۱۳۹۸). «ضمان در هوش مصنوعی». **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۱۰، شماره ۲.
- حبیب‌زاده، طاهر (۱۳۹۰). **حقوق فناوری اطلاعات حقوق قراردادها در گستره قراردادهای الکترونیک (مطالعه تطبیقی)**، جلد ۲، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- حکمت‌نیا، محمود؛ محمدی، مرتضی و واثقی، محسن (۱۳۹۸). «مسئولیت مدنی ناشی از تولید ربات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی خودمختار». **حقوق اسلامی**، سال پانزدهم، شماره ۶۰.
- رزانیان، نسترن و ایزدی، زهرا (۱۳۹۸). «بررسی حقوقی اعطای شخصیت حقوقی به ربات‌ها از منظر قوانین جمهوری اسلامی ایران». **فصلنامه وکیل مدافع**، شماره ۱۹.
- گندم‌کار، رضا حسین؛ صالحی مازندرانی، محمد و حمیدی، محمدمهدی (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی امکان وجود شخصیت حقوقی برای سامانه‌های هوشمند در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق غرب». **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، سال هشتم، شماره ۴.
- لطیف‌زاده، مهدیه (۱۴۰۳). «پیامدهای حقوقی نقش‌آفرینی خلاقیت هوش مصنوعی مولد در خلق آثار ادبی و هنری». **فصلنامه حقوق خصوصی**، دوره ۲۱، شماره ۱.
- واثقی، محسن (۱۳۹۹). «امکان‌سنجی اعطای شخصیت حقوقی به ربات‌های هوشمند با تکیه بر مصوبه اتحادیه اروپا». **فصلنامه مجلس و راهبرد**، سال بیست‌وهفتم، شماره ۱۰۳.
- ولی‌پور، علی و اسماعیلی، محسن (۱۴۰۰). «امکان‌سنجی مسئولیت مدنی هوش مصنوعی عمومی ناشی از ایجاد ضرر در حقوق مدنی». **فصلنامه اندیشه حقوقی**، سال دوم، شماره ۶.
- یزدانیان، علیرضا و نیازی، عباس (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از حیوان در حقوق اسلام و غرب». **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، سال چهارم، شماره ۴.

References

- Brown, R.D (2021). Property ownership and the Legal personhood of artificial intelligence. *Information & Communication Technology Law*, 30: 2.
- Bryson, J. J, Diamantis, M. E, & Grant, Th. D (2017). Of, For, and By the People: The Legal Lacuna of Synthetic Persons. *Artificial Intelligence and Law*, 25.
- Bukhari, S. A. & Mehmood F (2017). Legal capacity of Muslim woman regarding marriage in Islamic Law. *Peshawar Islamicus*, 8(1).
- Calo, R (2015). Robotics and the Lessons of Cyber law. 103 *Calif. Law Review*.
- Chesterman, S (2020). Artificial Intelligence and the Problem of Autonomy. *Notre Dame Journal of Emerging Technologies*, Vol 1.
- Dyschkant, A (2015). Legal Personhood: How We Are Getting It Wrong. *U Illinois Law*

- Review.2075.
- Filipova, I, A. & Koroteev, V, D (2023). Future of the Artificial Intelligence: Object of Law or Legal Personality?. *Journal of Digital Technologies and Law*, vol.1(2).
- Frosio, G (2022). Four Theories in Search of an A(I)thor. In Ryan Abbott(ed), *Handbook of Artificial Intelligence and intellectual Property* (Edward Elgar 2022).
- Hew, P.C (2014). Artificial moral agents are infeasible with foreseeable technologies. *Ethics and Information Technology*, 16(3).
- Hussein, S.& Fayyad, M (2023). Towards Granting of Legal Personality to Autonomous Robots in the UAE.
- Jafaritabar, H (2023). Soul-like Law on the joint essence of rights between human beings, animals, and robots, *Society, Development and commercial Law Review (SDCLR)*, 1(1).
- Kahn, P.H, Reichert, A. L, Gary, H. E, Kanda, T, Ishiguro, H, Shen, S, Ruckert, J. H, & Gill, B (2011). The new ontological category hypothesis in human robot interaction. *HRI 2011 Proceedings of the 6th ACM/IEEE International Conference on Human Robot Interaction*.
- Kelley, Richard, Enrique Schaefer & Micaela Gomez (2016). *Liability in Robotics: An International Perspective on Robots as Animals*; Nevada: University of Nevada.
- Kurki, V (2023). *Legal Personhood*. Cambridge University Press, Helsinki Legal Studies Research Paper No. 82.
- Lantyer, V.H (2024). Granting Legal Personality To Artificial Intelligences In Brazils Legal Context:A Possible Solution To The Copyright Limbo. *University of Miami International & Comparative Law Review*, 2024.
- Lovell, J.J (2023). Legal Aspects of Artificial Intelligence Personhood: Exploring the Possibility of Granting Legal Personhood to Advanced AI Systems and the Implications for Liability, Rights and Responsibilities. Available at: <https://ssrn.com/abstract=4749785>.
- May, B.; Roche, D.; Kahlal, A & Goy, C (2024). *France Artificial Intelligence, The Legal 500 country Comparative Guides*. Available at: legal500.com/guides/chapter/france-artificial-intelligence/?export-pdf. Last seen on: 19/June/2024.
- Meenagh, B.; Koroleva, K. & Tucker, L (2024), *Artificial Intelligence Law, Saudi Arabia, Lexology*, p. 4.
- Mocanu, D.M (2021). Gradient Legal Personhood for AI Systems – Painting Continental Legal Shapes Made to Fit Analytical Molds. *Frontiers in Robotics and AI*, 8, Art. 788179.
- Morkhat, P. M (2018). Legal personality of artificial intelligence unit: some civil-legal approaches. *Bulletin of Kostroma State University*, 3 (In Russ.).
- Mulgan, T (2019). Corporate Agency and Possible Futures. *Journal of Business Ethics*, 154, 901–916.
- Novelli, C (2022). Legal personhood for the integration of AI systems in the social context: a study hypothesis. *AI and Society*, vol 38.

- Pagallo, U (2013). *The Laws of Robots*; Springer Dordrecht Heidelberg, New York.
- Popova, A.V (2018). New Subjects of the Information Society and the Knowledge Society: To the question of Legal Regulation, *Journal of Russian Law*, 6(11).
- Rahmatian, A (2013). Originality in UK Copyright Law: The Old “Skill and Labour” Doctrine Under Pressure. *Max Plank Institute for Innovation & competition Research*, 44.
- Schrijver, S. de (2018). *The Future Is Now: Legal Consequences of Electronic Personality for Autonomous Robots. Who’s Who Legal*.
- Sitiris, M & Busari, S.A (2024), "The Legal Capacity of Artificial Intelligence From An Islamic Jurisprudential Perspective", *Malaysian Journal of Syariah and Law*, Vol.12, No.1.
- Solum, L (1992). Legal Personhood for Artificial Intelligence. *North California Law Review*, 70.
- Thoms, A.; Ehrle, A.; Fischer, K (2023). New AI Regulation Agreement by Germany, France & Italy. Available at: <https://www.bakermckenzie.com/en/insight/publications/2023/11/ai-regulation-agreement-germany-france-italy/>. Last seen on: 18/June/2024.
- Wilzig, S, Lehman (1981). *Frankenstein Unbound: Towards A Legal Definition of Artificial Intelligence, Futures*; Vol 73.

Persian Sources

- Abouzari, M (2022). *Law and Artificial Intelligence*. Tehran. Mizan Legal foundation. 2nd pub.
- Azarian, N. & Izadi, Z (2019). Legal review about Granting legal personality to Robots from Islamic republic of Iran point of view, *Lawyer quarterly*. No. 19.
- Gandomkar, R.H.; Salehi Mazandarani, M. & Hamidi, M (2020). A Comparative Study of the Possibility of the Legal Personality for Intelligent Systems in Islamic Jurisprudence, Iranian law and Law of the West. *Comparative study on Islamic & western Law*, No.8(4).
- Habibzadeh, T (2011). *Information Technology Law, Law of Contracts in scope of Electronic contracts (Comparative study)*. Legal studies center, Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. Vol. 2.
- Hekmatnia, M.; Mohammadi, M. & Vaseghi, M (2019). Liability due of product of robots based on Artificial Intelligence. *Islamic Laws*, No. 15(60).
- Latifzadeh, M (2024). Legal consequences of benefiting from the creativity of Generative artificial intelligence in the creation of literary and artistic works. *Private Law quarterly*. No. 21(1)
- Rajabi, A (2019). Guarantee for Artificial Intelligence, *Comparative law researches*. No. 10(2).
- Valipour, A. & Esmaeli, M (2021). Feasibility of Liability for Artificial Intelligence due of damage in civil law. *Legal thought quarterly*. No. 2(6).
- Vaseghi, M (2020). Feasibility study on Granting legal personality to Intelligent Robots adopted by European Union. *Parliament & Strategy quarterly*. No. 27(103).
- Yazdanian, A. & Niazi, A (2017). Comparative study about Liability due of Animals in Islam & western Law. *Comparative study on Islamic & western Law*, No. 4(4).
- Ziab, s, z (2011) *Insolvent companies in Islamic Jurisprudence & law*. dar -al- nafais publication.